

راههای کسب قلب سلیم

زهرة گلشادی

چکیده

قلب به منزله ی پادشاه بدن است. اگر قلب انسان سلیم باشد اعضا و جوارح او نیز سالم خواهند بود و در صورت آلودگی قلب، اعضا و جوارح او نیز آلوده به گناه می شوند بنابراین انسان مؤمن همواره باید تلاش کند تا قلب خود را که حریم خداوند است سالم نگه داشته و از ورود شیطان به آن ممانعت نماید، چراکه شیطان با ورود خود به قلب انسان به وسوسه های نفس اماره دامن می زند و موجبات اشاعه گناه و رذائل اخلاقی را در قلب فراهم می نماید از این رو انسان مؤمن باید از راههای فردی و اجتماعی به تقویت و کسب راههای قلب سلیم دست پیدا کند.

کلیدواژه ها: قلب، قلب سلیم، سلیم

مقدمه

بدن انسان ترکیبی از جسم و روح است و روح در عین حالی که مستقل است به بدن تعلق دارد و این دو، دور از یکدیگر تأثیر متقابل می گذارند. ولی تأثیر بیماری روح بر بدن بیشتر از تأثیر بدن بر روح است. درست است که گفته اند عقل سالم در بدن سالم است ولی عقل و بدن سالم از آن انسانی است که روح و قلب سالم داشته باشد و همانگونه که پیامبر فرموده اند: «که هر گاه قلب انسان پاک گردد بدنش نیز پاک گردد و هر گاه دلش ناپاک شود بدنش نیز ناپاک گردد». پس وظیفه داریم که قلب خود را از آلودگیهای اعتقادی و اخلاقی پاک نگه داریم تا به لقای الهی و رضای او دست یابیم. هدف از بررسی راههای کسب قلب سلیم اصلاح انسان است که اصلاح انسان مساوی است با اصلاح جامعه، و نابودی تمام رذائل اخلاقی باعث اهمیت این موضوع می گردد. تحقیق حاضر شامل دو بخش کلیات و مفهوم شناسی و متن اصلی که شامل دو فصل است که در فصل اول بُعد فردی و در فصل دوم به بعد اجتماعی کسب قلب سلیم می پردازد و روش این تحقیق از منظر هدف بنیادی، از حیث ماهیت مسأله محور است چراکه به حل مسئله می پردازد و همچنین کتابخانه ای می باشد. از لحاظ پیشینه ی این تحقیق پیامبران و امامان معصوم و بزرگان دین همگی در شناساندن راههای کسب قلب سلیم به بشر کمک کرده اند. در این زمینه کتابهایی با عنوان قلب سلیم نوشته عبدالحسین دستغیب نگارش یافته که این کتابها به صورت جزئی نگارش یافته ولی در این جستار به بُعد فردی و اجتماعی راهیابی به قلب سلیم پرداخته است.

۱- مفهوم شناسی قلب

قلب در لغت: منابع لغوی معانی گوناگونی برای آن ذکر کرده اند. قلب هر چیزی به معنای دگرگون ساختن آن است و معنای دوم قلب، خالص هر شیء است به قلب انسان قلب اطلاق می شود زیرا خالص ترین بعد وجود اوست. (رشاد، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

۱-۱- اهمیت قلب

شاید مسئله قلب در نخستین نگاه چندان مهم نیاید ولی آنگاه که به سخنان حضرت امیرالمومنین علیه السلام باز می گردیم، اهمیت بسیار آن را در می یابیم احادیثی که از ایشان در شأن و اهمیت قلب وارد شده تا بدان حد است که انسان را به شگفتی وا می دارد به این چند نمونه توجه کنید!

مهمترین مسئله دین، خدا و رسیدن به او، غایت آمال مشتاقان و عارفان است. (رشاد، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

۱-۲- ویژگیهای ادراکی قلب

در سخنان امیرالمؤمنان علیه السلام پاره ای ویژگیهای معرفتی به قلب نسبت داده شده است و از این واقعیت حاکی است که قلب، بُعد دیگری دارد. لذا قلب فقط در منبع احساسات و عواطف، و محمل یک سلسله حالات و اوصاف نفسانی نیست، بلکه جنبه ی دیگر آن شناخت امور و حقایق است لذا به هر چیزی قلب گویند که هم به معرفت نایل می شود و هم بعد احساس دارد. (رشاد، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۶۹)

۱-۳- مرگ و زندگی قلب

از گفته های امیرالمومنین علیه السلام به دست می آید که قلب دو گونه است: زنده و مرده، ممکن است انسان در دنیا زندگی کند، اما به تعبیر امام قلبی مرده داشته باشد، مسلم است که ملاک حیات قلب، حیات دنیایی نیست و اگر انسان به همین حیات بسنده کند مرده ای متحرک بیش نیست. وی مهمترین عامل مرگ دل را وابستگی به دنیا می داند و نیز درباره

زاهدان می‌فرماید: «آنان به مرگ قلب زندگان بیش از مرگ بدن اهمیت می‌دهند، لذا اهل دنیا نشده‌اند و به آخرت گرویدند. آنکه دنیا را به دیده عبرت ببیند و بداند که در پی آن، سرای دیگری وجود دارد و از دنیا توشه بگیرد، به حکمتی دست یافته که حیات قلب میت و بصرت کور چشم است و آنکه قلبش بمیرد وارد دوزخ شده است» (رشاد، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۸۳-۸۲)

۱-۴- انواع قلب

امام باقر علیه السلام فرمودند: «دلها چهار قسم است دلی که در آن نفاق و ایمان هر دو است».

۱- اگر هنگام مرگ دل با نفاق باشد هلاک شده است و اگر با ایمان باشد در نجات است.

۲- دلی که وارونه است و آن دل مشرک است. ۳- دلی که چرکین و زنگ زده باشد و بسته است و آن دل منافق است.

۴- دلی که فروزنده و پاک است و آن دل مؤمنان است. که مانند چراغی فروزان در آن است، اگر خدا به او نعمتی دهد سپاسگزار است. و اگر بر او بلا فرستد، صبر می‌کند. (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶)

۱-۵- قلب سلیم:

قلب پاک و منزّه از آلائش است که در مقابل آن قلب بیمار قرار دارد که از جمله بیماریهای قلب می‌توان به عجب، حسادت، قساوت، و... اشاره نمود که با وجود پنهان به نظر آمدن، می‌تواند نتایج بسیار خطرناکی برای فرد داشته باشد. بنابراین باید با کسب راههای قلب سلیم به درمان آن پرداخت. (معین، ج ۲، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵۱)

۲- راههای فردی کسب قلب سلیم

۲-۱- ترک دوستی دنیا

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در شب معراج خداوند فرمود: یا احمد اگر بنده ای نماز و روزه ی اهل آسمان و زمین را داشته باشد و به مانند ملک شکم خود را از طعام خالی گذارد و لباس عبادت کنندگان را بپوشد سپس ببینیم که در دل او ذره ای از دوستی دنیا یا خوش نامی یا ریاست طلبی یا شهرت طلبی یا زینت دنیا است او را در بهشت جا نمی دهیم و دوستی خودم را به او نمی چشانم امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند دوست نداشته است خدا را کسی که دنیا را دوست داشته و همچنین در تفسیر آیه در قیامت جز قلب سلیم چیزی به کار نمی خورد». فرمود: «قلبی که از حب دنیا خالی باشد». (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۹-۷۹۲)

رسول خدا در وصایایی به ابوذر غفاری فرمودند: دنیا و آنچه در آن است ملعون خدا است مگر آنچه را که به وسیله ی آن رضای خدا به دست آید و برای خدا باشد، و نزد خدا هیچ چیز دشمن تر از دنیا نمی باشد، چون آن را آفرید از آن روی گردانید و به آن نظرو توجهی نفرمود و تا قیامت نیر نخواهد کرد و هیچ چیز نزد خدا از ایمان و ترک چیزهایی را که ترک آنها را خواسته است محبوبتر نمی باشد. (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۰) و حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «فاسد و تباه نکند دین را چیزی مانند دنیا». (تمیمی آمدی، ۱۳۴۲، ص ۵۴)

امام باقر علیه السلام درباره ترک حب دنیا می فرمایند:

«دنیا را به آخرت بفروش تا در هر دو سودبری نه آخرت را به دنیا که در هر دو زیان

کنی». (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۹۵)

از نصایح دیگر حضرت امیر درباره ی نکوهش دنیا این است که: «از این دنیا چه گویم که اولش رنج است و آخرش نیستی، حلالش حساب دارد و حرامش عقاب، بی نیاز در آن به رنج

۳- راههای اجتماعی کسب قلب سلیم

۳-۱- ترک حسد

حسد نسبت به بندگان خدا و راضی نبودن به رضای خداوند می باشد شخصی که به دیگران حسد می ورزد و آرزوی زوال نعمت دیگران را دارد اول از همه جان خود را عذاب می دهد. حسود در آخرت نیز به چند گناه مؤاخذه خواهد شد. نخست آنکه از قضای الهی خشمگین و از تقسیم عادلانه ی او ناراضی است، نعمتی را که خداوند با حکمت خویش به بندگان خود عطا می کند، دوست ندارد و بدخواه بندگان اوست. دیگر آنکه با حسد از زمره ی اولیای خدا خارج و با شیطان و کافران هم مسلک خواهد بود، چراکه اولیای خدا بندگان او را دوست دارند و جز خیر، نعمت و رفاه و آسایش برای ایشان نمی خواهند، ولی ابلیس و کافران پیوسته برای مؤمنان آرزوی بلا دارند و زوال نعمت ایشان را خواستارند و مؤثرترین راه درمان حسد که قطع ریشه های حسد و علاج اسباب آن است و کمترین تلاش، توجه به این معناست که محسود بنده ی خداست و چه بسا مورد عنایت او باشد. (جباران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵) آری انسان باید به مانند شیطان که بر مقام آدم رشک و حسد برد و گرفته شدن آن را خواست لکن به عکس خودش از درگاه الهی رانده ی ابدی شد و مقام آدم بالا رفت بنا شد تا بتواند به مقام قلب سلیم، قلبی که عاری از رذائل اخلاقی باشد دست یابد.

۳-۲- ترک غیبت

غیبت عبارت است از بدگویی و اظهار عیب یا گناه مؤمنی در نزد شخصی که اطلاع ندارد در صورتی که آن عیب و زشتی در آن مؤمن باشد ولی از اظهارش ناراضی است و اگر عیبی را که در او نیست نسبت بدهد بهتان است نه غیبت. حضرت رسول در نصایحش به اباذر فرمود: «ای اباذر! از غیبت بپرهیز که غیبت از زنا بدتر است». گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدایت؟ فرمود: زیرا کسی که زنا می کند و توبه می کند خداوند او را می بخشد ولی غیبت بخشوده نشود تا کسی که غیبت او شده راضی شود. ای اباذر! هر کس پیش او غیبت مسلمانی

شود و بتواند او را یاری کند خداوند در دنیا و آخرت او را خوار و بی یاور گذارد». (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۹) قرآن کریم می فرماید: «و لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» از یکدیگر غیبت نکنید آیا دوست دارید که گوشت برادر مرده ی خود را بخورید؟ البته از آن کراهت و نفرت دارید. (حجرات، ۱۲)

غیبت را از دو راه علمی و عملی می توان درمان کرد. درمان علمی غیبت با تکرار و تمرین امکان پذیر است و درمان عملی با آگاهی از فواید و زیانها و مبارزه ی آگاهانه با اسباب و علل غیبت برای نجات از پیامدهای غیبت باید اول در پیشگاه خداوند تعالی توبه کرد و آنگاه نسبت به حق الناس، بنا به قولی، طلب حلالیت و بنا به قولی دیگر برای شخصی که غیبتش شده استغفار نمود. (جباران، ۱۳۹۲، ص ۵۷)

۳-۳- دوری از عجب

از بیماریهای کشنده ی روان انسان جهل مرکب است که به راستی درمان آن در نهایت سختی است و جز فضل الهی درمانی ندارد چنانچه ذکر می شود و جهل مرکب آن است که انسان حقیقت را ندارند و از این نادانی خود نیز بی خبر باشد بلکه خود را دانا به حقیقت امر است زیرا شخص معجب حقیقت خود را نشناخته و گرنه عجب در او پیدا نمی شد و این ناشناسی را نیز درک نکرده است. رذیله عجب از حب نفس پیدا می شود چرا که انسان فطرتاً خود را دوست دارد. حب نفس سرچشمه همه ی لغزشهای انسانی و رذایل اخلاقی است. انسان چون خود را دوست اعمال ناچیزش را بزرگ می بیند و خود را به سبب آنها از خوبان و خاصان درگاه حق به شمار می رود و سزاوار ثنا و ستایش می داند. از امام صادق علیه السلام است که حضرت موسی از ابلیس پرسید: چه گناهی است که اگر انسان انجام دهد، تو بر او مستولی می شوی؟ عرض کرد: هنگامی که دچار عجب و خودبزرگ بینی شود. عباداتش در نظرش زیاد جلوه کند و گناهان در نظرش کوچک نماید و انسان برای درمان عجب باید خود

را به علم و معرفت مجهز کرده و خود را کوچک شمرده و خدایش را بزرگ انگارد تا بتواند
بر این بیماری قلب غلبه پیدا کند و قلب سلیم کسب نماید.

نتیجه گیری

چنانچه در سلامت جسم هم خوردن دارو و هم پرهیز هر دو با هم مؤثر می باشند در سلامت روح نیز هم ترک محرمات و هم انجام واجبات هر دو مؤثرند. انجام واجبات مانند نماز، روزه، حج و...و ترک محرمات مانند غیبت، دروغ، زنا و...و این ترک محرمات و انجام واجبات در تمام مراحل کسب قلب سلیم باید با هم ادامه یابند، زیرا کسانی که خوب و بد را با هم مخلوط می کنند راه به جایی نمی برند(انما یتقبل الله من المتقین) راههای فراوان و زیادی برای دستیابی به قلب سلیم وجود دارد که بزرگان دین و انبیاء الهی به آنها اشاره کرده اند ولی محقق به تعدادی از راههای آن اشاره کرده و این بحث جای تحقیق و پژوهش بیشتر را دارد.

فهرست منابع

* قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه ای، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۳

۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دراللکلم، مقدمه و تصحیح میرجلال الدنی حسینی ارموی، شرح جمال الدین محمد خوانساری، ج ۶، انتشارات دانشگاه تهران،

۱۳۴۲

۲- جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، چاپ ۱۲، قم، مرکز نشرهاجر، ۱۳۹۲

۳- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، قلب سلیم، چاپ ۱۶، تهران، نشر دارالکتب الاسلامی،

۱۳۸۴

۴- دستغیب، عبدالحسین، قلب سلیم، تنظیم و تصحیح استاد محمد هاشم دستغیب، ج ۲،

انتشارات کانون تربیت شیراز، ۱۳۸۴

۵- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، ج (۱، ۴)، چاپ دوم، تهران، نشر سازمان انتشارات

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲

۶- طبرسی، ابوفاضل حسن بن فضل، دفتر اول آداب زندگی اسلامی، مکارم الاخلاق

تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، چاپ چهارم، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵

۷- محمدی نیا، اسدالله، لحظه جان دادن، چاپ ۸، قم، نشر سبط اکبر، پاییز ۱۳۷۹

۸- مشکینی، نصایح (سخنان چهارده معصوم و هزار و یک سخن)، مترجم: آیت الله جنتی،

چاپ ۱۷، نشر الهادی، زمستان ۱۳۷۷

۹- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲، تهران، انتشارات نامن، ۱۳۸۶